



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

عدالت
قرآن
مہدویت

مجید حیدری نیک



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عدالت، قرآن، مهدویت

نویسنده:

مجید حیدری نیک

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	عدالت، قرآن، مهدویت
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۷	ارزش عدل
۸	مفهوم عدل
۹	حاکم عادل
۱۰	کارگزار عدل گستر
۱۱	جامعه عدل پذیر
۱۳	اقتصاد عدل گرا
۱۴	نظام قضایی عدل مدار
۱۵	ابزار عدل
۱۵	اشاره
۱۵	رشد فرهنگی (روشنگری)
۱۶	قانون (کتاب)
۱۶	قدرت
۱۷	پاورقی
۲۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

عدالت، قرآن، مهدویت

مشخصات کتاب

نمایه سازی قبلی : نمایه سازی قبلی

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۸۵-۲۵۴۹۶

سرشناسه : حیدری نیک، مجید

عنوان و نام پدیدآور : عدالت، قرآن، مهدویت/مجید حیدری نیک

منشأ مقاله : انتظار، ش ۱۴، زمستان ۱۳۸۳: ص ۶۱ - ۸۸

توصیفگر : مهدویت

توصیفگر : قرآن

توصیفگر : ظهور منجی

توصیفگر : عدالت

اشاره

آنچه بر پایه محکمی استوار نباشد دوام نخواهد آورد، فرو خواهد ریخت و در هم خواهد شکست بدون تردید برای نیل جامعه عدل و تصویر فرهنگ عدل مدار گریزی از پژوهش در کتاب عدل و ترسیم امام عدل نیست. تلقی قرآن از عدل و عدالت به کیفیتی است که فرهنگ معاصر آن را درک نکرده و جامعه عدل مهدوی آرمان شهری است که آدمی هنوز ضرورتش را در نیافته است به همین دلیل رسالت این نوشتار کاوش از فرآیند فرهنگ عدالت در منظر وحی و نگاهی تطبیقی به عدل مهدوی است. اصولاً آنهایی که میخواهند طرحهای اسلامی را بررسی کنند ناگزیرند زیر بناها را در نظر بگیرند ایجاد مدینه فاضله عدل محور یکی از مهمترین این طرحهاست هر نظامی با توجه به اهداف و آرمانهای خود پایه های استقرار عدالت را در محورهای خاصی جست و جو میکند. هدف این نوشته پرداختن به محورهای کلیدی برای ایجاد تصویری روشن از عدل مهدوی از کانال عدل قرآنی است. تا چه قبول کند و چه در نظر آید. السلام علی مهدی الامم و جامع الکلم، السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر، السلام علی ربیع الأنام و نصره الأيام. السلام علی المهدی الذی وعد الله عزّ و جلّ به الامم أن یجمع به الکلم و یلّم به الشعث و یملاً به الأرض قسطاً و عدلاً... ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر باز آ که ریخت بی گل رویت بهار عمر از دیده گر سرشک چو باران چکد رواست کاندلر غمت چو برق بشد روزگار عمر (حافظ) فرهنگ قرآن پس از گذشت سالها، حرفهایی دارد که هنوز فرهنگ معاصر ما از آن عقبتر است. تلقی قرآن از جامعه عدل و کیفیت آن را فرهنگ معاصر هنوز درک نکرده است. این فرهنگ، انسان را به گونه‌ای تحلیل میکند که بر اساس آن، برای او تربیتی همچون تربیت درخت و حیوان در نظر میگیرد و برای او مدینه فاضله و جامعه عدل مداری را ترسیم میکند که تنها در سیستم او مانسیم و انسان محوری می‌توان بدان دست یافت. بر همین اساس، پایان تاریخ را با حاکمیت دمکراسی و قوانین مدنی برخاسته از آن به تصویر میکشد. در حالی که این فرهنگ، در تجربه و تخیل و تفکر آدمی ریشه دارد و چه کسی است که کوتاهی علم و غریزه و محدودیت تجربه و تخیل و اندیشه آدمی را درک نکرده باشد؟ آری، فرهنگی میتواند مدل زندگی و نوع تربیت و چگونگی سلوک انسان را طراحی کند و برای او سیستم زندگی ارائه دهد که در وحی ریشه داشته باشد. چون انسان با جهان و آدمها رابطه دارد و در این جهان که علم، نظامش را تجربه کرده، نمیتوان بدون ضابطه با پیرامون خود رابطه برقرار کرد و این ضابطه را کسی میشناسد که به تمام هستی احاطه و از تمامی روابط آگاهی داشته باشد. نگارنده با توجه

به این رویکرد، می‌خواهد مسئله عدل و عدالت را از منظر قرآن بررسی کند؛ چرا که قرآن، کتاب عدل و ناطق به عدالت است [۱] و بوستان در بوستان و برکه در برکه عدالت است. [۲] از قانون عدل و امام عدل سخن بگوییم تا شاید به خود آیم و کوتاهیهای خود را در شناخت مسئولیتها و اجرای آنها باور کنیم و سمت و سوی زندگی خود را با جامعه عدل مهدوی هماهنگ سازیم. عنایات خاص متون روایی به مسئله عدل مهدوی، ما را به نقش محوری این عنصر در قیام و انقلاب و حکومت حضرت رهنمون میسازد. بر اساس بررسیهای به عمل آمده، در فراز اول یکصد و سی حدیث پس از بشارت به آمدن مهدی (ع) از عدالت جهان گستر او سخن به میان آمده است. [۳] از این رو، تلاش برای تبیین عدل مهدوی به موازات ترسیم عدل قرآنی ضروری به نظر میرسد. برای رسیدن به این مهم، محورهایی را که قرآن روی آن دست گذاشته و در آن عرصه عدالت را بیان کرده، مطرح و آن گاه تحت همان محور از عدل مهدوی بحث میکنیم. در این نوشته، علاوه بر بحث از ارزش و مفهوم عدل، از: حاکم عادل، کارگزار عدل گستر، جامعه عدل‌پذیر، اقتصاد عدل‌گرا، نظام قضایی عدل‌مدار، ابزار عدل، با رویکرد پیش‌گفته سخن می‌گوییم.

ارزش عدل

از اصول و سنتهای تغییر ناپذیر الهی که بر آسمان و زمین حاکم است، اصل عدالت است. در سیره و تاریخ رهبران دینی، این موضوع به طور کاملاً آشکاری تبیین شده است. علی (ع) حکیم سخن، راجع به آن می‌فرماید: «العدل اساس به قوام العالم؛ [۴] عدل پایه و ستونی است که هستی بدان پا برجا و استوار است». در اندیشه علی (ع) حتی پایه های آبادانی و عمران شهرها نیز منوط به اجرای عدالت است. «ما عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ؛ [۵] هیچ چیز مانند عدل، باعث آبادانی شهرها نیست». در اصل، عدالت عامل بقای دولتها و ضامن استمرار ملتهاست. به همین دلیل، امیرالمؤمنین علی (ع) به دولت مردان چنین توصیه میکند: «اجعل العدل سيفك؛ [۶] عدالت را شمشیر کار خود قرار ده». اگر جامعه و ملتی خویش را با این اصل هماهنگ سازد و حرکت خود را در راستا و جهت عدالت قرار دهد، با کل هستی هماهنگ و هم‌آوا شده است و ماندگار و پایدار خواهد بود و هر کس بر خلاف جریان حرکت کند، به ضرورت، آسیب‌پذیر و نابود شدنی است: «ولن تجد لسنة الله تبديلا. [۷] در توجه اسلام به عدالت، همین بس که قرآن مجید رعایت عدالت را حتی نسبت به کافران لازم دانسته [۸] و اقامه قسط و عدل را از اهداف پیامبران بر شمرده است. [۹] البته با توجه به اینکه هدف از خلقت، به رشد رساندن انسان در تمامی ابعاد است، [۱۰] نتیجه می‌گیریم که عدالت، هدف نهایی پیامبران نیست. عدالت از آن جهت که زمینه‌ساز رشد و رستگاری آدمی است، مورد توجه شریعت واقع شده است. از طرفی، قرآن نه تنها اقامه عدالت را در دستور کار همه پیامبران به طور عام قرار میدهد که به صورت خاص نیز آن را مأموریت مهم پیامبر ختمی مرتبت به شمار می‌آورد: و امرت لاعدل بینکم، [۱۱] قل امر ربی بالقسط. [۱۲] افزون بر این، خطاب جامع و فراگیر الهی در آیه نود سوره نحل [۱۳] فرمانی عمومی در رعایت عدالت در تعاملات اجتماعی است که اهمیت و ارزش موضوع مورد بحث را پررنگتر مینماید. از این‌ها مهمتر، آنچه نظر قرآن را در ارتباط با اهمیت و ارزش عدالت شفاف میسازد، تعبیری است که در سوره آل عمران آیه هجدهم [۱۴] آمده که پروردگار هستی را اولین اقامه‌کننده عدل معرفی میکند که خودش و ملائکه و صاحبان دانش، گواه این ماجرا هستند. شگفتا که قرآن در این تصویر زیبا، با سبکی منحصر به فرد، درجه ارزش خاص و مقدسی برای برپاکنندگان عدل قائل میشود. آری، در فرهنگ قرآنی، اهمیت بسزایی در تعاملات اجتماعی به رفتار عادلانه داده شده که در ریزترین روابط، حتی در نوشتن قرار داد [۱۵]، در گفتار [۱۶]، در روابط خانوادگی [۱۷]، در صدا زدن افراد [۱۸]، در اصلاح بین دو گروه از مسلمانان [۱۹] و در برخورد با یتیمان [۲۰] رعایت آن را لازم شمرده است. حتی این امر آن قدر اهمیت دارد که رعایت عدالت را در صورت دشمنی نیز به مردم توصیه میکند. [۲۱] از منظر قرآن، عدالت اصل و اساس مبدأ هستی بیان شده است. [۲۲] و در نهایت، میتوان گفت مسئله عدالت چنان اهمیتی در اندیشه قرآنی دارد که علاوه بر این که ترازوی خدا در امر آفرینش [۲۳] است، اجرا کنندگان

عدالت را در زمره کسانی قرار داده که محبوب پروردگارشان هستند: (ان الله يحب المقسطین). [۲۴] استاد مطهری راجع به آن میگوید: در قرآن از توحید گرفته تا معاد و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت و از آرمانهای فردی گرفته تا هدفهای اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. عدل قرآن همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریح نبوت و فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است. [۲۵]. اهمیت عدل و احسان را در فرهنگ شیعه میتوان در گفت‌وگویی که میان امام صادق (ع) با شخصی در حضور اسماعیل بن مسلم رخ داده به دست آورد. اسماعیل بن مسلم میگوید: او از امام پرسید: یابن رسول الله، جمع بین این دو آیه چگونه است: (ان الله یأمر بالعدل و الاحسان...) [۲۶] و امر ألا تعبدوا الا اياه [۲۷] حضرت فرمودند: آری، هیچ امری در میان بندگان خدا جز اجرای عدل و احسان نیست. [۲۸] استاد جوادی آملی نیز با استناد به آیه شریفه: الذی خلقک فسواک فعدلک [۲۹] گوهر هر انسانی را به طور فطری از منظر قرآن، حق و عدل میدانند. [۳۰]. بی‌شک، کتاب و سنت در بردارنده عادلانه‌ترین قوانین هستند و در صورت حاکم شدن بی‌کم و کاست آنها، جامعه طعم عدالت را خواهد چشید. از این رو، یکی از گامهای اساسی موعود منتظر، احیای کتاب و سنت رسول خداست که در طول زمان به فراموشی سپرده شده و یا قدرت اجرای آن فراهم نبوده و در نتیجه، جز پوسته‌ای از آنها باقی نمانده است. پیامبر خدا (ص) میفرماید: «دوازدهمین فرزندم از دیده‌ها غایب شده و پنهان میگردد، تا این که زمانی برای امت پیامبر فرا رسد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقشش باقی نماند. در این هنگام، خداوند بزرگ مرتبه به او اجازه قیام میدهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می‌کند». [۳۱] از طرفی، اهمیت موضوع عدالت را در سرلوحه برنامه‌های امام موعود، از نخستین سخنی که حضرت در آغاز تولد به زبان آورده میتوان به دست آورد. حکیمه خاتون ماجرا را چنین روایت میکند: آن امام بزرگ در لحظات نخستین پس از تولد، لب به سخن گشود و به یکتایی خداوند و رسالت حضرت محمد (ص) و امامت همه امامان گواهی داد، سپس چنین فرمود: «پروردگارا، وعده‌هایت را در مورد من جامه عمل بپوشان و کار مرا به پایان رسان. گامهایم را استوار بدار و به وسیله من، زمین را از عدل و داد پر کن. [۳۲]. مؤلف کتاب مکیال المکارم در این مورد مینویسد: عدل، آشکارترین صفات نیک آن امام است. برای همین در دعای شبهای رمضان، عدل نامیده شده است: «اللهم وصل علی ولی امرک القائم المؤمل و العدل المنتظر؛ خداوندا، به ولی امر خود که قیام کننده آرمانی و عدل مورد انتظار همه است، درود فرست.» و در حدیثی که در کتاب کمال الدین و خبر آن از پیامبر (ص) روایت شده، در توصیف امام آمده است: «اول العدل و اخره؛ امام موعود، آغاز عدل و پایان آن است.» منظور کمال دادگری آن حضرت است. کمتر حدیثی درباره آن امام رسیده است که از ذکر عدل تهی باشد.... [۳۳]. شایسته است در این قسمت از بحث به آیاتی از قرآن کریم اشاره داشته باشیم که روایات ذیل این آیات، آن‌ها را به عدل مهدوی تفسیر کرده‌اند: اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها قد بینا لکم الآیات لعلکم تعقلون؛ [۳۴] «بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده میکند. ما آیات را برای شما بیان کردیم؛ شاید اندیشه کنید.» مرحوم حُرّ عاملی میگوید: امامان معصوم (ع) در تفسیر این آیه فرموده‌اند: یعنی خدا زمین را که به واسطه ظلم پیشوایان گمراهی و ضلالت مرده است، پس از ظهور حضرت قائم (ع) به واسطه عدل وی زنده میکند. [۳۵]. و اشرف الارض بنور ربها [۳۶] امام صادق (ع) در تفسیر این آیه میفرماید: هنگامی که قائم ما به پاخیزد، زمین به واسطه نور پروردگار روشن میشود و مردمان از نور خورشید بی‌نیاز میشوند و تاریکیها رخت بر میندند. پیامبران و امامان باز میگردند و عادلانه بین مردم داوری میشود و به هیچ کس ظلمی روا نگردد. [۳۷]. آیات دیگری در این زمینه هست که به جهت پرهیز از طولانی شدن کلام، از ذکر آنها خودداری می‌کنم. [۳۸].

مفهوم عدل

واژه‌ها و اصطلاحات خاص یک مکتب یا یک نظام جامع فکری به عنوان جزئی از ساختار زبانی آن مکتب یا نظام تلقی میشود. از

همین رو، با بررسی و تحقیق در واژه های اساسی آن مکتب است که میتوان به شناخت بنیادهای نظری و فکری آن مکتب دست یافت. واژه عدالت مترادفهایی دارد مانند: قسط، قصد، استقامت، وسط، نصیب، میزان، انصاف و غیره که در فرهنگ قرآنی و احادیث به کار گرفته شده است. هر چند با نگاه دقیق، مفهوم هر یک از آنها با یکدیگر متفاوت است. از میان واژه های فوق، دو واژه عدل و قسط در فرهنگ قرآنی بیش تر به کار گرفته شده است. متضاد کلمه عدل، جور است. [۳۹]. راغب اصفهانی میگوید: عدل، عدالت و معادله واژه هایی است که معنای مساوات را در بر دارد. پس عدل تقسیم مساوی است و بر این اصل روایت شده [۴۰] است: بالعدل قامت السموات و الارض؛ بر اصل عدل آسمانها و زمین بر پا شده است. [۴۱]. وی در تفسیر معنای قسط میگوید: القسط هو النصیب بالعدل؛ دست یافتن به سهم و نصیب از روی عدالت قسط است. [۴۲]. از بررسی فوق میتوان نتیجه گرفت که در تعریف عدالت، رعایت تساوی و نفی هر گونه تبعیض، رعایت حقوق افراد و دادن حق به حق دار و قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش، از بهترین تعریفهاست که شامل جمله معروف «العدل اعطاء كل ذي حق حقه» و جمله امیرالمؤمنین «وضع كل شی فی موضعه» [۴۳] هم میشود. یکی از اساتید در این مورد تعریفی ارائه داده که علاوه بر در بر گرفتن معنای فوق، دقت و عمق قابل توجهی دارد. با طرح آیه شریفه: ان الله یأمر بالعدل و الاحسان... [۴۴] چنین میگوید: عدل یک مرحله آسانتر از احسان است و گاهی به معنای حد وسط و حد اعتدال و میانه افراط و تفریط میآید. و این معنایی است که در اخلاق بر آن تأکید دارند و این معنای یونانی این کلمه به حساب میآید و اما گاهی عدل، برابری بازده و هماهنگی تکلیف با طاقت و امکان است که در واقع، معنای این آیه است: لا یکلف الله نفسا الا ما آتاها [۴۵] یا الا وسعها [۴۶] تکلیف برابر با وسعت (توان و طاقت) و برابر با داده است و این معنای دقیقتری است؛ چون اعتدال و میانه افراط و تفریط و میانه روی در تمامی صفات انسانی و در تمامی حوزه های اخلاق، سیاست، اقتصاد و در تمامی موارد به کارگیری این کلمه، مثل صفات خداوند، تصور ندارد یا تکلف و سختی دارد... [۴۷]. قطعاً میان دو واژه عدل و قسط تفاوتی وجود دارد. قسط از واژه هایی است که دارای دو معنای کاملاً متضاد است. قسط آن است که حق و حقوق دیگران رعایت گردد و تجاوزی صورت نگیرد؛ در حالی که عدل، رعایت اعتدال و تعادل و برابری در تمامی امور به مقتضای احوال آنهاست و علاوه بر رفتار، به گرایشها، توجهات، علایق و احساسات و تمایلات درونی افراد نیز توجه دارد. بنابراین شاید بتوان گفت که قسط بیشتر به روابط انسان با دیگران و اشیا و طبیعت توجه دارد؛ در حالی که عدل علاوه بر آن، مشتمل بر روابط انسان با خود و خدا نیز هست. این است که در قرآن قسط بیشتر در موارد رعایت حقوق افراد در اجتماع و پاداش و کیفر و اقامه اوامر و اساس آن به کار رفته است. [۴۸]. هر نظامی با توجه به اهداف و آرمانهای خود، پایه های استقرار عدالت را در محورهای خاصی جستجو میکند. نقصان در هر کدام از محورها، ناپایداری عدالت را به دنبال میآورد. اکنون که از ارزش و مفهوم عدالت گفت و گو شد، بحث عدل مهدوی را از رهیافت عدالت قرآنی در محورهای آینده پی میگیریم.

حاکم عادل

آنچه بر پایه محکمی استوار نباشد، دوام نخواهد آورد؛ فرو خواهد ریخت و درهم خواهد شکست. بدون شک، آن گاه میتوان از جامعه و حکومتی انتظار حرکت به سوی عدالت را داشت که امام و حاکم آن جامعه، خود در مسیر عدالت باشد و در زندگی فردی و اجتماعی عدالت را پیشه خود سازد. از این رو، میبینیم قرآن با تکیه بر همین اصل، مأموریت اجرای عدالت را از رهبری آن خواستار می شود: امرت لاعدل بینکم. [۴۹] در همین راستا به او فرمان میدهند که این مأموریت خود را هم به مردم اعلام کند: قل امر ربی بالقسط. [۵۰]. پیشوا و رهبر مسلمانان باید در بالاترین مرتبه تقوا و پرهیزکاری و از هر گونه شائبه ظلم و ستم به دور باشد. خصوصاً وقتی عدالت، زمینه ساز تقوا و هدایتگر و مقرب پرهیزکاری باشد که: اعدلوا هو اقرب للتقوی. [۵۱]. البته این مسئله مخصوص پیامبر (ص) نبوده؛ بلکه الفبای اولیه و دستور کار همه رسولان الهی در زمینه سازی برای ایجاد قسط و عدل بوده است.

[۵۲] به خصوص آن‌جا که داستان حکومت و رهبری یک ملت در میان باشد. درست به همین جهت است که داوود پیامبر (ع) با خطابی قاطع، مأمور اجرای عدالت در میان مردم میشود: یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق. [۵۳]. در واقع، پایداری حکومت منوط به عدل و دوری از ظلم است. [۵۴]. امام موعود (ع) به عنوان رهبر معصومی که تحقق بخش عدالت در سراسر جهان خواهد بود، در بالاترین درجه عدالت قرار دارد و روش و منش او کاملاً بر عدالت منطبق است. توجه به مفاد بیعتی که امام در آغاز قیام خود از یارانش میگیرد، ما را به عمق سیره و روش مبتنی بر عدالت آن حضرت رهنمون میسازد: با او بیعت میکنند که هرگز دزدی نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند... خوراکی از گندم و جو انبار نکنند، به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند، از پلیدی گریزان باشند، به نیکی فرمان دهند، از زشتیها باز دارند، جامه های خشن بپوشند، خاک را متکای خود سازند، در راه خدا و حق، جهاد کنند و... او نیز در حق خود تعهد میکند که از راه آنها برود، جامه‌های مثل آنها بپوشد، مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود، آنچنان که آنها میخواهند باشد، به کم راضی و قانع شود، زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند چنان که پر از ستم شده است؛ خدا را آنچنان که شایسته است بپرستد، برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و... [۵۵]. افزون بر پیمان یاد شده، امام مهدی (ع) در نخستین سخنرانی خود پس از ظهور نکاتی را یادآور می‌شوند که به خوبی، راه و روش مبتنی بر عدالت و پرهیزکاری آن حضرت را روشن میسازد. متن این سخنرانی به نقل از امام باقر (ع) چنین است: مهدی در هنگام نماز عشا در مکه ظهور میکند، در حالی که پرچم رسول خدا - درود خدا بر او و خاندانش باد - و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه‌ها و نور و بیان است. وقتی نماز عشا را به جا آورد، با صدای رسا و بلند خود میفرماید: ای مردم! خدا و روز واپسین را که در پیشگاه او می‌ایستید، به یاد شما میآورم. او حجت خود را برگزید... من شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیای سنت او دعوت می‌کنم... [۵۶]. عدالت مهدوی تا آن‌جا پیش میرود و عمیق میگردد که درون خانه‌ها، قانون عدل حاکم میشود و روابط داخلی در چارچوب و معیار و میزان عدالت شکل میگیرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «... اما والله لیدخلن (القائم) علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحرّ والقرّ». [۵۷]. توجه به روایت زیر، ما را در درک سیره شخصی امام مهدی (ع) به عنوان حاکم اسلامی یاری می‌کند. مفضل بن عمر یکی از اصحاب امام صادق (ع) چنین نقل میکند: در خدمت امام صادق (ع) مشغول طواف بودم. در همین هنگام، امام نگاهی به من کرد و فرمود: چرا این گونه اندوهگینی و چرا رنگت تغییر کرده است؟ گفتم: فدایت شوم! بنی عباس و حکومتشان را میبینم و این مال و سلطنت و قدرتی که در دست آنهاست؛ اگر این‌ها در دست شما بود، ما هم با شما در آن سهیم بودیم. امام فرمود: ای مفضل، بدان اگر قدرت در دست ما بود، شبها به تدبیر امور و روزها به تلاش و کوشش میپرداختیم. جامه‌های زبر بر تن داشتیم و غذای بی خورشت میخوردیم. درست مانند شیوه امیرالمؤمنین که بر او درود باد؛ زیرا اگر جز این عمل شود، پاداش آن دوزخ خواهد بود. [۵۸].

کار گزار عدل گستر

یکی از نیازهای تمامی حرکتهای انقلابی برای برقراری عدالت در جامعه، تربیت مهره‌های کارآمد و مجریان و کارگزاران عادل است. فقدان چنین افرادی بسیاری از حرکت‌های عدالت خواهانه را با شکست مواجه ساخته است. قرآن گاهی برنامه هایش را مستقیم طرح و در موردش گفت و گو میکند و گاهی غیر مستقیم و در قالب داستان و بیان تمثیل. [۵۹] آیات ۲۹ تا ۳۴ سوره طه در قالب داستان حضرت موسی (ع) به اهمیت یاران کارآمد و مهره‌های توانمند در کنار رهبری اشاره میکند. موسی از خدا می‌خواهد که وزیری برای او از خانواده‌اش قرار دهد: واجعل لی وزیراً من اهلی؛ چون برای اجرای مأموریتش، پشتوانه محکمی می‌خواست: اشد به ازری؛ آن هم برای تعمیم فرهنگ ذکر و تسبیح در جامعه: کی نسبحک کثیراً و نذکرک کثیراً. در آیه ۳۵ سوره فرقان، به

شکل واضحتری به این مهم پرداخته شده است: لقد آتینا موسی الکتاب و جعلنا معه هارون وزیراً که خدا برای انجام مأموریت فرهنگی، دو قدرت به موسی عطا می‌کند: یکی کتاب (یعنی آیین زندگی) و دیگری پشتوانه محکمی چون هارون وزیر. و در پی فراهم شدن این دو عنصر، حالا نوبت اجرای مأموریت است: (فأذهبنا إلى القوم الذين كذبوا بآياتنا...); پس بروید به سمت گروهی که نشانه‌های ما را تکذیب کردند». [۶۰]. علاوه بر قرآن، در سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز شواهد بسیاری در اهمیت نیروسازی قبل از هرگونه کار اصلاحی میتوان مشاهده کرد. [۶۱]. امام مهدی (ع) نیز به اهمیت این امر به خوبی واقف است. او می‌خواهد آرمانی‌ترین نظام عادلانه را در جهان ایجاد کند. پس باید ریشه‌ها را محکم کند و به مهره سازی رو آورد؛ چون هر قدر آرمان مکتبی بالاتر باشد، به مهره های نیرومندتری نیاز دارد. دوران غیبت بهترین فرصت برای دست یافتن به چنین یارانی است. پیش بینی قرآن و روایات، چنین تربیتی را بشارت میدهد. امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه: (الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوة... [۶۲] می‌فرماید: این آیه در شأن مهدی و یارانش نازل شده است. خداوند به وسیله آنان، دین خود را آشکار می‌کند و حاکم می‌گرداند، به گونه‌ای که اثری از ستم و بدعت دیده نشود. [۶۳]. در حکومت امام مهدی (ع)، نظام حکومتی به شیوه‌های شکل گرفته که امکان ظلم و بی‌عدالتی به صفر میرسد. امام علی (ع) در این مورد می‌فرماید: (قائم ما) قاضیان زشتکار را کنار می‌گذارد و دست سازشکاران را از سرتان کوتاه میکند و حکمرانان ستم پیشه را عزل مینماید و زمین را از هر نادرست و خائنی پاک می‌سازد و به عدل رفتار میکند. [۶۴]. در مورد ویژگی کارگزاران قائم (ع)، در روایتی از امام صادق (ع) چنین می‌خوانیم: ... نشان سجده بر پیشانی آنها نقش بسته است. آنها شیران روز و زاهدان شب‌اند. دل‌هایشان مانند پاره های آهن است و هر کدام از آنها توان چهل مرد را داراست. [۶۵]. و در روایت دیگری داریم: حضرت مهدی، یارانش را در همه شهرها پراکنده می‌سازد و به آنها دستور میدهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنها را فرمانروایان کشورهای جهان گرداند و به آنها فرمان میدهد که شهرها را آباد سازند. [۶۶]. طبیعی است در حکومتی که امام مهدی (ع) رهبری آن را به عهده دارد، کارگزاران و مسؤولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند. از این رو، می‌بینیم در روایت، ترکیب دولت مهدی را از پیامبران و جانشینان آنان، تقوا پیشگان و صالحان روزگار و امتهای پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر (ص) بیان میکند که نام برخی از آنان بدین گونه است: حضرت عیسی (ع) [۶۷]، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی (ع)، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر نخعی و قبیله همدان. [۶۸] در برخی روایات، نام مقداد نیز آمده است. [۶۹].

جامعه عدل پذیر

تحقق عدالت علاوه بر عنصر عدالت حاکم و عدالت کارگزار، به جامعه‌ای نیازمند است که عدالت محور باشد و روابط اجتماعی و تعاملات افراد با یکدیگر بر اساس عدل و احسان مبتنی باشد. قرآن کریم به عنوان یک کتاب جامع که دربرگیرنده همه آنچه بشر بدان نیاز دارد می‌باشد، به این امر اساسی توجه کرده، می‌فرماید: (ان الله يأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی). [۷۰]. در این که عوامل فحشا و منکر و ستم چیست و چرا جامعه دچار چنان ناهنجاری‌هایی می‌شود، متخصصان امور و آگاهان آسیب‌های اجتماعی بر این باورند که عناصر اضطراب، ترس، فقر و حرص، آدمی را به ناهنجاری‌های اجتماعی می‌کشاند و در نقطه مقابل، سه عنصر امن، ظرفیت و استغنا، حاصل روابط عادلانه و محسنانه می‌باشد. به همین جهت، قرآن چه زیبا با توجه به نکات پیش گفته، با طرح خدا محوری و عبودیت: ... لا تعبدون الا الله [۷۱] راه حل برون رفت از این معضل را ارائه می‌دهد و عبودیت به معنای بندگی کردن، کنترل محرک‌ها و نظارت بر حرکت‌ها را می‌خواهد. زیرا عبودیت بر انگیزه‌های طبیعی و غریزی و جمعی اثر می‌گذارد و عادت‌ها را کنترل می‌کند و عادت‌ها و کارهای تازه را پایه می‌ریزد. گذشته از انگیزه‌های درونی، عبودیت، آرمان‌ها و ارزش‌ها و اهداف جدیدی می‌سازد. چون به هنگام مقایسه بت‌ها و معبودهای گوناگون با خویش و با

خدا، تلقی انسان از خودش و توقع و خواسته انسان از کارهایش دگرگون می‌شود و حقارت بت‌ها و معبودها در انسان نقش می‌گیرد و تعلق و وابستگی‌ها شکسته می‌شود. تعلق به لذت، به قدرت، به ریاست، به ثروت و... تمامی این‌ها وضع جدیدی به خود می‌گیرد. این یک اصل طبیعی است که شرک، پراکندگی می‌آورد و نتیجه پراکندگی، اضطراب و نگرانی است و توحید، وحدت و اطمینان و امنیت را به ارمغان می‌آورد. و باز هم طبیعی است اگر علائق آدمی به دنیا و جلوه‌های آن و غایت همت وی متاع‌های زودگذر شد، نتیجه این نوع زیست، ناامنی، بی‌ظرفیتی، شتاب و بردگی است. زیرا رسیدن به همه آن‌ها مقدور نیست و همیشه غصه و غم نرسیدن به آن‌ها، همراه آدمی است و بر فرض وصال هم، ترس از دست دادن و وحشت از جدایی، آرامش آدمی را به هم می‌زند. ولی در طرف دیگر، آنان که در صراط عبودیت گام می‌زنند، چون با ذکر و یادآوری همراه شده‌اند، چون با دنیا‌های گسترده‌تری آشنا شده‌اند، آن‌ها را باور کرده‌اند و به دنیا نگاه استقلالی ندارند، رفت و آمد دنیا در آنان طوفان به پا نمی‌کند؛ دنیا را کلاس و راه می‌بینند؛ پس در جایگاه‌های قدرت و ثروت و مقام متوقف نمی‌شوند. آنان با چنین زاویه دیدی به ظرفیت، به وسعت سینه و به حلم و بردباری و به تحول مستمر دست می‌ابند. اگر علی (ع) می‌گوید: دنیای شما در نظر من از آب بینی بز یا استخوان لیسیده در دست جزامی یا یک لنگه کفش کهنه کمتر است مگر آن که «اقیم حقا او اذفع باطلا [۷۲]؛ حقی را به پا کنم و باطلی را کنار بزنم» از همین دیدگاه مایه می‌گیرد. به راستی وابستگی به دنیا، حلقه بندگی و نیازمندی و بردگی را بر گردن انسان می‌اندازد و آدمی را به زیستنی مذلت‌بار میکشاند. ولی آنان که به عبودیت و خدامحوری رسیده‌اند، به بصیرت و بیداری و واقع‌نگری دست یافته‌اند. در نتیجه، با مرکب استغنا و غنای نفسانی همراه شده‌اند و زیستنی عزت‌مدار و سلوکی بر پایه اقتدار دارند؛ چون کسی که دو پای شکر و صبر را دارد، کسی که در تمامی شرایط و در تمامی موقعیت‌ها موضع‌گیری مناسب دارد، دیگر جایی برای اضطراب و تزلزل و حزن و خوف نمی‌گذارد و معنایی به ذلت نمی‌دهد که امن و اقتدار و اطمینان این وجودها، دیدنی و یافتنی و دوست داشتنی است. کسانی ذلیلانند که در متن و اوج برخورداری از دنیا، دگرگونی نعمتها و مرگ آگاهی، سرزمین وجودشان را مضطرب و متزلزل می‌سازد. به هر تقدیر، برای دستیابی جامعه به عدالت، نیاز به سه عنصر است: «امنیت»، «ظرفیت» و «استغنا» و این عناصر جز از کانال عبودیت و از بزرگ‌راه بندگی فراهم نمی‌شود. به جهت تأمین این عناصر است که ظهور آن یگانه غایب از نظر به تأخیر افتاده و دوران غیبت شکل گرفته است. فقدان جامعه عدالت‌محور، نقیصه‌های است که شیعه منتظر باید در پی ایجاد آن باشد؛ چون عدالت مهدوی نیازمند چنین جامع‌های است و فرهنگ شیعه بر پایه همین تفکر برنامه‌ریزی شده است. بر پایه همین بینش است که پیامبران الهی در مأموریت آسمانی خود، خواهان اقامه عدل در جهان و در بین همه انسانها بوده‌اند و می‌خواستند مردم را طوری تربیت کنند که آنان خود قسط و عدل را به پا دارند، نه آن‌که به زور و قدرت حاکم به عدالت تن دهند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط. [۷۳] در آخر این آیه شریفه فرمود: ليقوم الناس بالقسط و نفرمود: ليقام الناس بالقسط. فعل «يقوم» به صورت معلوم به کار رفته، یعنی با آگاهی و اراده و اختیار، قسط و عدالت را اقامه کنند، نه فعل مجهول «يقام» که یعنی آنها را به پا دارند؛ زیرا فرق است بین این که حاکمی خود عادل باشد و بخواهد در حکومت او عدل اجرا شود و به کسی ستم نگردد و آن که مردم در جامعه، از نظر کمالات و درک عقلانی به جایی برسند که خود اقامه عدل نمایند. این عالی‌ترین و پیشرفته‌ترین مدل نظام عدالت‌محور است که بر عنصر آگاهی و آزادی جامعه تکیه دارد؛ آن‌هم جامع‌های که از نقطه عبودیت عبور کرده و در فضای بندگی سیر می‌کنند. به هر حال، امام عدالت، مأموم عدالت‌مدار می‌خواهد و دولت عدالت، ملت عدالت‌خواه. در همین رابطه، حدیث تأمل‌برانگیزی از امام باقر (ع) نقل شده است: حمران از امام باقر (ع) می‌پرسد: ای کاش می‌فرمودید قیام حضرت چه زمانی اتفاق خواهد افتاد تا دل ما شاد گردد! امام (ع) در قالب یک حکایت پر معنا، زمان را به سه دوره تقسیم می‌کند: زمان گرگ، زمان میش، و زمان ترازو. بدین سان، حمران را متوجه این نکته می‌کنند که تا زمان ترازو فرا نرسد، زمان حاکمیت امام عدالت گستر نیز فرا نخواهد رسید. [۷۴]. امام باقر (ع) به خوبی

روشن میسازد که اگر مردم گرگ‌صفت باشند، پدیده غضب خلافت رخ خواهد داد. و اگر میش‌صفت باشند، هرچند تمایل به بازگرداندن خلافت غضب شده دارند، عملاً چنین اتفاقی نخواهد افتاد. و بالاخره این که اگر مردم ترازو صفت و عدالت مدار باشند، حق غضب شده امامت را به صاحب اصلی آن باز میگردانند. در مدینه قرآنی مهدوی، همه جا امنیت برقرار میشود. امام صادق (ع) در تفسیر آیه: «و لیلدلهنهم من بعد خوفهم امنا» [۷۵] میفرماید: این آیه شریفه در باره امام زمان است. در آن زمان، چندان امنیت بر سراسر گیتی گسترده میشود که از هیچ چیز به چیز دیگر زیان نمیرسد؛ ترس و وحشتی به چشم نمی‌خورد؛ حتی جانوران و حیوانات در میان مردم رفت و آمد میکنند و به یکدیگر آزاری ندارند. [۷۶].

اقتصاد عدل‌گرا

اصولاً آنهایی که میخواهند طرحهای اسلامی را بررسی کنند، ناگزیرند که زیربناها را در نظر بگیرند و گر نه، آن طرحها همانند ساختمان محکمی هستند که در فضا تصویرش را بکشند و در میان زمین و هوا قرارش دهند. اقتصاد عدالت محور یکی از همین طرحهاست. اگر منظور از رفاه اقتصادی فقط پر کردن شکمها، نمایش دادن داراییها و غوطه‌ور شدن در یک زیست حیوانی باشد، نه تنها ارزش ندارد، که ضد ارزش است و اهانت به انسان و ضایع کردن عظمت‌های اوست. اما اگر این سامانه اقتصادی منجر به داد و ستد فکری و سازندگی روحی شود، متری و در خور تحسین و پل سازندگی و بال رستگاری ملت‌هاست. [۷۷]. نارساییهای اقتصادی به راستی، مشکل آفرین و بحران‌زا هستند و ناهنجاریهای زیادی را در جامعه ایجاد میکنند. [۷۸]. مرگ بسیاری از انسانها بر اثر سوء تغذیه، شکسته شدن دیوار حیا و در نتیجه، فساد و خودفروشی و رذالت، جاسوسی برای دشمن و خودکشی و مشکلات روانی و هزاران بی‌دینی دیگر، نتیجه قهری چنین جامعه‌ای است. علی (ع) به جهت جلوگیری از پیش آمدن چنین ناهنجاری‌هاست که ایثار میکند و دیگران را بر خودش مقدم می‌دارد، هرچند خودش سه شب غذا نخورد؛ چون طاقت دارد: و یثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه. [۷۹]. قرآن بر طبق همین ارتباط تنگاتنگ بین مسائل اقتصادی و دین‌مداری، برنامه‌های حساب‌شده‌ای برای گردش مناسب پول در رگهای جامعه ارائه میدهد و در همین راستا، آدمی را از انباشتن ثروت [۸۰] و تکاثر [۸۱] و کم‌فروشی [۸۲]، منع و ربا [۸۳] را پلید و عملی شیطانیمعرفی می‌کند و با هدف توزیع عادلانه ثروت، به پرداخت خمس [۸۴] و زکات [۸۵]. و به انفاق [۸۶] تشویق و به منظور ریشه کنی فقر، برای انفال [۸۷] قوانین خاصی وضع میکند و به قرض دادن [۸۸] ترغیب و از توزیع غیر عادلانه [۸۹] نهی میکند. افزون بر آن، اگر جامعه‌ای با پیروی از الگوی قرآنی فوق، از روابط اقتصادی سالم و عادلانه بهره‌مند شد، آسمان و زمین نیز بر کاتشان را از آنان دریغ نمیدارند و ثروت‌های نهفته خود را در اختیار آنان میگذارند که: «ولو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض» [۹۰] «اگر مردم شهرها و دیارها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم». در حکومت مهدی (عج) که مردم به اطاعت خداوند روی می‌آورند و به فرمان حجت خدا گردن مینهند، دیگر دلیلی ندارد که زمین و آسمان از برکاتشان بر بندگان خدا مضایقه کنند. حضرت رسول (ص) در همین باره میفرماید: زمین را عدل و داد فرا میگیرد و آسمان میبارد و در نتیجه، زمین محصول خود را پدیدار می‌سازد و امت من در حکومت آن حضرت از نعمتی برخوردار میشوند که هرگز مانند آن را ندیده‌اند. [۹۱]. امام باقر (ع) می‌فرماید: هنگامی که قائم ماقیام کند، بیت المال را به گونهای یکسان در میان مردم قسمت کرده، به عدالت در میان مردم رفتار میکند. ثروت‌های روی زمین و ثروت‌های زیر زمین نزد آن حضرت گرد آید. آن‌گاه حضرت به مردم خطاب میکند: بیایید و بگیرید آنچه را که برایش خویشاوندی را قطع میکردید و به خون‌ریزی و گناهان دست می‌زدید. او چنان میبخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است. [۹۲]. و در جای دیگری میفرماید: حضرت مهدی سالی دو بار عطایابی به مردم میدهد. آن حضرت ماهی دو بار حقوق میدهد و بین مردم یکسان رفتار می‌کند، به گونهای که فرد نیازمند به زکات در جامعه یافت نمیشود. دارندگان زکات سهم فقیران را نزد آنان می‌آورند، ولی آنان

نمیپذیرند. ناچار اموال را در کیسه های مخصوص پول میگذارند و در محله های شیعه نشین میچرخانند، ولی آنان میگویند ما را به درمهای شما نیازی نیست. [۹۳]. و در نهایت، امام علی (ع) در این باره میفرماید:.... زمین گنجینه های خود را برون اندازد و کلیدهای خویش را از در آشتی، تسلیم او سازد. پس روش عادلانه را به شما بنماید و آنچه از کتاب و سنت مرده است، زنده کند. [۹۴].

نظام قضایی عدل مدار

عدالت مهمترین نیاز بشر و بزرگترین گمشده او است و راه تحقق عدالت آن است که ارکان ظلم و ستم از قلمرو حاکم و قانون دور شود. یکی از محورهای مهم و اساسی در این راه، پالایش نظام قضایی از ظلم و بیاداد است. قاضی عادل، سیستم قضایی عدالت مدار و قانون عدل، تضمین کننده عدالت است. به همین خاطر، راه دستیابی به نظام قضایی عدالت مدار، نظارت بر سه محور پیش گفته است. این قرآن است که به هر سه محور توجه ویژه ای مبذول داشته و با یادآوری مکرر خود به رهبران دینی، آنان را به داوری عادلانه دعوت کرده است: «وإذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل [۹۵]؛ «چون میان مردم داوری کنید، به عدالت داوری کنید». قرآن در زمینه قانون عدل نیز آن گاه که از اهداف رسالت سخن میگوید، همراهی کتاب و میزان را به عنوان قانون عدل و رمز برپایی قسط و عدل معرفی میفرماید. [۹۶]. در نهایت، از رسولان خود به عنوان حاکمانی که بر مدار عدل قضاوت میکنند نام برده، چنین میفرماید: «فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط وهم لا یظلمون. [۹۷]. بدین ترتیب، قرآن کریم برپایه عدل در حوزه قانون و شخص قاضی، ظلم و ستم را از حوزه نظام قضایی دور ساخته است. حساسیت قرآن در ایجاد نظام قضایی عدل محور به حدی است که به کوچکترین مسئله‌های که منجر به برقراری عدالت در امر قضاوت شود توجه می‌کند. حتی برای شهادت و گواهی، شرایطی وضع کرده و تنها گواهی صاحبان عدل را میپذیرد: «و اشهدوا ذوی عدل منکم. [۹۸]. و بر همین اساس، مؤمنان را به گواهی و شهادت عادلانه دعوت میکند: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط [۹۹]. یکی از منابع مهم که رویه امام مهدی را در ایجاد عدالت تبیین می‌کند، نهج البلاغه امیر مؤمنان علی (ع) است. در جای جای نهج البلاغه، اصل مساوات و برادری به چشم می‌خورد. این را که همه در برابر قانون مساوی‌اند و وابستگان به حکومت نیز مانند دیگر افراد باید تابع قانون باشند، میتوان از ماجرای زیر به دست آورد: روزی امیرالمؤمنین به سبب تخلف یکی از جنگجویان لشکرش به نام نجاشی یمنی بر وی حد جاری ساخت. یمنیها خشمگین شدند و طارق بن عبدالله را نزد حضرت علی فرستادند. پس طارق نزد او آمد و گفت: «یا امیرالمؤمنین! ما تصور نمی‌کردیم که اهل نافرمانی و فرمان برداری و اهل پراکندگی و اجتماع از لحاظ کیفر و مجازات در نزد والیان عادل و مردان با فضیلت برابر باشند، تا آن که عملی را که در حق نجاشی انجام دادی مشاهده کردیم. سینه‌های ما را از کینه شعله‌ور کردی و کار ما را پراکنده ساختی و ما را بر راهی انداختی که تصور می‌کردیم هر کس از آن راه برود، به دوزخ خواهد رسید. علی (ع) فرمود: «و انھا لکبیرة الا علی الخاشعین»؛ [۱۰۰] «آن کاری دشوار است مگر بر خاشعان». ای طارق! مگر او فردی غیر از مسلمانان است؟! حرمت آنچه خدا حرام کرده بود درید، ما هم حدی که کفاره آن بود جاری ساختیم. خدای متعال فرموده است: «ولا یجرمنکم شأن قوم علی ألا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی [۱۰۱]؛ «دشمنی قومی شما را بر آن ندارد که به عدل رفتار نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است». پس چون شب فرا رسید، طارق و نجاشی شبانه به جانب معاویه به راه افتادند [تا از مساوات و عدالت فرار کرده باشند]. [۱۰۲]. در دوران امام مهدی نیز چنین سیرهای دنبال خواهد شد. قضات ستمگر از کار معزول و رشوه گیران و سیاسی کاران از دستگاه قضایی حضرت برکنار میشوند: «... لیتزعن عنکم قضاة السوء و لیقبضن منکم المراضین...» [۱۰۳]. امام صادق (ع) میفرماید: هنگامی که قائم آل محمد (ص) قیام کند، از پشت کعبه هفده نفر را بیرون می‌آورد: پنج نفر از قوم موسی هستند که به حق قضاوت میکنند... و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع و وصی موسی و... [۱۰۴]. در عصر حضرت برای سرپرستی امر قضا از افرادی

استفاده می‌شود که علاوه بر تسلط کامل بر مبانی فقهی و امور قضایی، عدالت گستر نیز باشند. ابو بصیر از امام صادق (ع) پرسید: آیا جز این گروه، افراد دیگری در پشت کعبه نیستند؟ حضرت فرمود: آری، مؤمنان دیگری نیز هستند، ولی این گروه فقها، نجبگان، حاکمان خواهند بود که پیش رو و پشت سرشان را حضرت دست می‌گذارد و مسح میکند و در پس آن، هیچ قضاوتی بر آنان دشوار نخواهد بود. [۱۰۵].

ابزار عدل

اشاره

ابزار عدالت در قرآن به شکلی کاملاً روشن تبیین شده است. خداوند متعال در آیه بیست و پنج سوره حدید از این ابزار سخن می‌گوید. حربه اولیه تمامی پیامبران برای ایجاد قسط و عدل را کار فرهنگی، یعنی ایجاد بینات و روشنگری به شمار آورده، می‌فرماید: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات. آن‌گاه با توجه به اهمیت قانون عدل، از کتاب و میزان سخن به میان می‌آورد: وانزلنا معهم الكتاب و المیزان و در مرحله سوم، از قدرت سلاح و نیروی نظامی با تعبیر وانزلنا الحديد فيه بأس شدید [۱۰۶] یاد کرده است. امام باقر (ع) با توجه به اهمیت سه عنصر فوق برای ایجاد عدالت می‌فرماید: «امامی که قرآن، دانش و سلاح نزد اوست از ماست». [۱۰۷] در این روایت، از اجرای عدالت بحث شده است؛ زیرا پیشوایی میتواند به طور کامل قسط و عدل را در جامعه اجرا و جامعه را به سوی کمال رهبری کند که سه نیروی: «دانش»، «قانون» و «قدرت» را داشته باشد. دانشی که بتواند به وسیله آن فرهنگ سازی کند. قانونی که عموم انسانها آن را نصب العین خود قرار دهند و قدرت و اسلحهای که معاندان و موانع رشد آدمی را از سر راه بردارد.

رشد فرهنگی (روشنگری)

یکی از مهمترین ابزار ایجاد عدالت در آرمان‌شهر مهدوی، روشنگری و زمینه‌سازی فرهنگی است. در مدینه فاضله مهدوی، رشد عقل و عقلانیت در سر لوحه کارهای حضرت قرار دارد. در آن دوران، اندیشه‌ها به اوج شکوفایی میرسند. علوم و فنون تکامل مییابد و همراه آن، برتریهای انسانی و اخلاقی مراحل عالی خود را پیدا میکنند. امام صادق (ع) می‌فرماید: دانش بیست و هفت بخش دارد که بشر تا کنون دو بخش از آن را آموخته است. به هنگام قیام امام زمان (ع)، بیست و پنج باب دیگر بر آن افزوده میشود و در میان جامعه گسترش مییابد. [۱۰۸]. در نظام الهی مهدوی، آدمی به نهایت بلوغ خود میرسد و اندیشه و تفکر جامعه رنگی از نوع آرمانی به خود می‌گیرد. امام باقر (ع) از این تحول، این چنین یاد میکند: آن‌گاه که قائم ما قیام کند، دست محبت و امامت بر سر بندگان نهد و پس از آن، خردها را بالنده می‌سازد و خلق و خوبیها را به تمام و کمال میرساند. [۱۰۹]. در نظام عدل مهدوی، با اجرای برنامه‌های تربیتی، عشق و علاقه مردم به فراگیری تعالیم قرآنی به نهایت اوج خود میرسد. امام علی (ع) از این فضا گفت‌وگو میکند: گویا شیعیانم را میبینم که در مسجد کوفه گرد آمده‌اند و با برپایی چادرهایی، قرآن را همان گونه که نازل شده، به مردم آموزش میدهند. [۱۱۰]. در دوران ظهور، دلها به چنان وسعتی میرسند که پلیدیها در آن زنگاری پدید نمی‌آورد. امام علی (ع) می‌فرماید: «... در زمان ظهور و قیام قائم ما، دل‌های بندگان از کینه‌ها پاک گردد...». [۱۱۱]. در اثر تلاش فرهنگی امام موعود، یکی از عوامل مهم عدل‌پذیری در جامعه ایجاد شده و بدین ترتیب، حرص و طمع از میان میرود و روح بینبازی و استغنا بر فرهنگ آن روز حاکم میشود. رسول خدا (ص) می‌فرماید: زمانی که حضرت مهدی (ع) قیام کند، خداوند غنا و بی‌نیازی را در دل بندگان می‌نهد، به گونه‌ای که حضرت اعلام میکند هر کس به مال و ثروت نیاز دارد بیاید، ولی کسی پیشقدم نمیشود. [۱۱۲] همان گونه که از اساسیترین شیوه‌های تربیتی پیامبران، گسستن بندها و زنجیرهای وابستگی از وجود آدمی است، [۱۱۳] روش و

سیره امام مهدی (ع) نیز بر همین پایه و اساس است؛ چنان که پیامبر مکرم راجع به آن می‌فرماید: «... به (بالمهدی) ... یخرج ذلّ الرق من اعناقکم...» [۱۱۴]. «... به سبب مهدی... زنجیرهای بردگی و اسارت از گردنهای شما گسسته خواهد شد...» در جامعه اسلامی مهدوی، در زمینه تربیتی، بر تعاون میان برادران ایمانی تأکید فوق‌العاده‌ای شده است. اسحاق میگوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که آن حضرت از کمک و همکاری با برادران سخن به میان آورد، آن‌گاه فرمود: هنگامی که حضرت قائم (ع) ظهور کند، کمک کردن به برادران واجب میشود و تقویت و تعاون نسبت به آنان لازم شمرده میشود. [۱۱۵]. حضرت حتی در زمینه عبادی نیز عدالت را رعایت می‌کند و در هنگام موسم حج، از مردم میخواهد که اعمال مستحبی را انجام ندهند تا راه برای انجام مناسک تمتع باز و از ازدحام جمعیت کاسته شود. امام صادق (ع) میفرماید: اولین دستور عادلانه‌ای که از قائم صادر میشود این است که نمایندگان آن حضرت اعلام میدارند که طواف کنندگان مستحبی و کسانی که به استلام حجر الاسود مشغول‌اند، مطاف را برای حاجیان و ناسکین اعمال تمتع (حج واجب) خالی کنند. [۱۱۶].

قانون (کتاب)

در دوران ظهور، اصل عدالت در ریز و درشت مسائل اجرا میشود و درشتترین امور در چارچوب میزان عدل و قانون مهدوی محدود میگردد به گونهای که هیچ‌گونه ستمی به احدی روا نمیگردد و اندک ظلمی صورت نمیپذیرد، چنان که امام رضا (ع) می‌فرماید: «... خدا به وسیله وی زمین را از هرگونه ستمی پاک می‌گرداند... و آن‌گاه که ظهور کند، قانون عادلانه را در بین مردم رواج میدهد؛ در نتیجه، هیچ‌کس به کس دیگر ظلم روا نمیدارد. [۱۱۷]. با شناخت قانون عدل و مشخص شدن حد و مرز و چارچوب عدل، همگان از اصول و فروع عدل در روابط اجتماعی و رفتار فردی آگاه میگردند. زمامداران وظیفه خویش را به روشنی می‌شناسند و عموم مردم نیز رفتار خویش را تصحیح می‌کنند و به اصول عدالت گردن می‌نهند. امام کاظم (ع) در باره این فرموده خداوند که: یحیی الارض بعد موتها؛ [۱۱۸] «زمین را پس از مردن زنده میکند» فرمود: این زنده کردن زمین با باران نیست؛ بلکه خداوند مردانی را بر میانگیزد تا عدالت را زنده کنند. پس زمین در پرتو عدل زنده میشود. بی‌تردید، اجرای حد خدا در زمین مفیدتر از چهل روز بارندگی است. [۱۱۹].

قدرت

از آن‌جا که هدف از قیام حضرت مهدی (عج) برپایی حکومت عدل الهی در سراسر جهان و نابودی ستم و ستمگر در تمامی سرزمینهاست، به طور طبیعی برای دستیابی به این هدف، با دشواریها و موانعی رو به رو خواهد شد که باید با انجام عملیات نظامی از سد آن موانع عبور کند و حاکمیت عدل و عدالت را در گستره خاکی پی ریزد. بی‌تردید، آدمی هرچه آرمانی و اخلاقی فکر کند و به اصلاح معنوی و تربیتی جامعه و انسان بیندیشد، کاربرد نیروی نظامی را به عنوان یک راه و ابزار مقدماتی و اجتناب‌ناپذیر نمیتواند از نظر دور بدارد. مطالعه تاریخ بشری به خوبی این واقعیت را آشکار میسازد که موانع رشد و تکامل انسان جز با اعمال قدرت از سر راه برداشته نمیشود. برای تربیت و هدایت طبقه سلطه طلب، استثمارگر، دنیا زده و برای این که آنها سد راه انسانها نگردند و راه رشد را بر توده‌ها نبندند، راهی جز جنگ و کاربرد نیرو به عنوان یک ضرورت برای دستیابی به هدف‌های فوق نمی‌باشد. در قرآن نیز با توجه به همین واقعیت است که می‌فرماید: قاتلوهم حتی لا تکنون فتنه و یكون الدین لله... [۱۲۰]. تعبیرهای کوبنده احادیث در ترسیم این حرکت امام منجی در خور توجه است: امام علی (ع) می‌فرماید: «... بایب ابن خیره الاماء... یسومهم خسفاً و یسقیهم بکأس مصبره، و لا یعطیهم الا السیف هر جا... [۱۲۱]. پدرم فدای پسر بهترین زنان! (یعنی قائم (ع))... ظالمان را خوار و ذلیل می‌کند و جام زهر آگین به کامشان خواهد ریخت و با شمشیر و کشتاری فراگیر با آنان برخورد خواهد کرد. بنابراین،

امام موعود با تشکیلات نظامی و قدرت شمشیر خود چنان هراسی در دل ظالمان و استعمارگران جهان می‌اندازد که همه مطیع او می‌شوند. امام باقر (ع) در حال قرائت این آیه شریفه بودند: بعثنا علیکم عبداً لنا اولی بأس شدید [۱۲۲] آن‌گاه فرمودند: «منظور از بندگان ما که سخت نیرومندند، قائم و اصحاب او هستند». [۱۲۳]. با ایجاد این قدرت است که امام (ع) تمامی منحرفان و فریبکاران را از سر راه بر می‌دارد. امام کاظم (ع) می‌فرماید: ... دوازدهمین ما، خدا هر مشکلی را برایش آسان می‌گرداند... به وسیله او هر ستمگر جنگ طلبی را نابود می‌کند و تمامی شیطانهای رانده شده به دست او به هلاکت می‌رسند. [۱۲۴]. امام باقر (ع) می‌فرماید: همانا در قائم آل محمد، شباهتهایی از پنج پیامبر (ص) می‌باشد... و اما شباهت او به جدش پیامبر (ص) قیامت با شمشیر و به هلاکت رساندن دشمنان خدا و رسول و درهم کوبیدن متکبران و طاغوتیان است و به راستی، با ترس و شمشیر یاری می‌شود. راوی می‌گوید: از امام صادق (ع) پیرامون آیات ۱ تا ۴ سوره غاشیه: (هل اتاک حدیث الغاشیة، وجوه یومئذ خاشعۃ، عاملۃ ناصبۃ، تصلی ناراً حامیۃ) سؤال کردم. امام (ع) فرمود: معنای «آیا حدیث غاشیه به تو رسیده است؟» این است که حضرت قائم (ع) شما را با شمشیر فراگیرد. راوی می‌گوید: از این آیه که می‌فرماید: «چهره‌هایی در آن روز ذلت بارند» پرسیدم: امام فرمود: عده‌ای آن‌چنان ذلیل و خوارند که توانایی رد کردن آن عذاب و عقوبت را ندارند. راوی گوید: از آیه عاملۃ ناصبۃ سؤال نمودم. امام فرمود: اینان به غیر آنچه خداوند نازل فرموده عمل کرده و غیر از والیان امام را نصب نموده‌اند. راوی می‌گوید: از این آیه که می‌گوید: «به آتش سوزان می‌رسند» سؤال کردم. امام فرمود: به آتش جنگ در دنیا در عهد حضرت قائم (ع) دچار میشوند و در آخرت به آتش دوزخ فرو می‌افتند. [۱۲۵]. به هر تقدیر، دوران حاکمیت آن امام موعود فرا میرسد و طعم شیرین عدالت را به همه جهانیان می‌چشانند. امام باقر (ع) می‌فرماید: «پس از ظهور مهدی (عج) هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری نمی‌ماند، مگر آن که آن حضرت آن را می‌ستاند و به صاحب حق می‌دهد». [۱۲۶]. حضرت رسول (ع) نیز می‌فرماید: «حکومت مهدی (عج) به گونه‌ای است که دو زن شبانه حرکت کرده، مسافرت می‌کنند و از بی عدالتی و ستم هراسی ندارند». [۱۲۷]. اللهم و املاء کل افق من الآفاق و قطر من الاقطار قسطاً و عدلاً و مرحمةً و فضلاً و اشکرهم علی حسب کرمک و جودک ما منتت به علی القائمین بالقسط من عبادک و ادخرت لهم من ثوابک ما ترفع لهم به الدرجات انک تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید. [۱۲۸]. پروردگارا! جغرافیای هستی، تشنه قسط و عدل است، جای جای زمین، تمنای عشق و لطف می‌کند، وسیع خاک، چشم انتظار آبی آسمان است...! پروردگارا! آن‌گونه که آینه داران کوی عدالت را مینوازی نگاه مهربانت را بر مؤمنان ثابت نیز نثار کن! پروردگارا! عطای خویش را بر ایشان باقی بدار و بر عزتشان بیفزای که میدانم تنها تدبیر و اراده توست که بر جان عالم مینشیند!

باورقی

[۱].

[۲].

[۳] مؤلف منتخب الاثر.

[۴] بحار، ج ۷۸، ص ۸۳.

[۵] غرر الحکم، ص ۴۰۷.

[۶] همان ص ۶۷.

[۷] فاطر، ۴۳.

[۸].

[۹].]

[۱۰].

[۱۱] شوری، ۱۵.

[۱۲] اعراف، ۲۹.

[۱۳] ان الله يأمر بالعدل والاحسان و ایتاء ذی القربی... نکته قابل توجه در این آیه، این است که فردی از مؤمنان یا انسانها مورد خطاب قرار نگرفته و این، نشان دهنده جامعیت و فراگیری و وسعت افق خطاب این آیه است.

[۱۴] شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولو العلم قائما بالقسط.

[۱۵].

[۱۶].

[۱۷].

[۱۸].

[۱۹].

[۲۰].

[۲۱].

[۲۲].

[۲۳] در ذیل همین آیه در تفسیر صافی آمده است که رسول خدا (ص) فرمود: «بالعدل قامت السموات والارض».

[۲۴] ممتحنه، ۸.

[۲۵] عدل الهی، ص ۳۸.

[۲۶] نحل، ۹۰.

[۲۷] یوسف، ۴۰.

[۲۸] تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۸.

[۲۹] انفطار، ۷، (آن که تو را آفرید و اعضایت را تمام کرد و به عدل سامان داد).

[۳۰] کاظمی، عدالت در اندیشه سیاسی اسلام، ص ۵۷.

[۳۱] قندوزی، ینابیع الموده، ص ۴۴۰.

[۳۲] کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۸.

[۳۳] مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۵۷.

[۳۴] حدید، ۱۷.

[۳۵] اثبات الهداء، ج ۳، ب ۳۲، ح ۴۵۸.

[۳۶] زمر، ۶۹.

[۳۷] تفسیر صافی، نشر اعلمی، بیروت، ج ۴، ص ۳۳۱.

[۳۸] ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۵، ذیل آیه ۳۳ توبه؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰، ذیل آیه ۳۳ اسراء؛ کمال الدین ج ۲،

ص ۶۳۸، در ذیل آیه ۲۰ لقمان؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲، ذیل آیه ۱ و ۲ لیل؛ اثبات الهداء، ج ۳، ب ۳۲، ح ۶۶۰، ذیل آیات ۱ تا ۹

شمس؛ بصائر الدرجات، ص ۵۱۹، ذیل آیه ۱۳۰ نساء؛ کمال الدین، ج ۲، ب ۳۵، ح ۵، ذیل آیه ۴ شعرا؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷،

ذیل آیه ۴۱ حج؛ بحار، ج ۳۶، ص ۲۱۹، ذیل آیه ۱۵۷ بقره؛ شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۴۴، ذیل آیه ۲۸ آل عمران؛ احتجاج، ج ۱، ص

- ۱۴۰، ذیل آیه ۱۱۵ بقره؛ کافی، ج ۱، ص ۳۴۴، ذیل آیه ۲۸ آل عمران؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲، ذیل آیه ۱۸۷ اعراف؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۲۰، ذیل آیه ۵۵ نور؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵۰، ذیل آیه ۷ و ۸ انفال.
- [۳۹] کاظمی، عدالت در اندیشه سیاسی اسلام، ص ۲۷.
- [۴۰] تفسیر صافی، ذیل آیه ۷ الرحمن.
- [۴۱] المفردات فی غریب القرآن، المكتبة المرتضوی، تهران، صص ۳۲۵ و ۴۰۳.
- [۴۲] همان. برای مطالعه بیشتر ر.ک: سجادی، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، ص ۴۷۰؛ عدل الهی، صص ۵۹ - ۶۳.
- [۴۳].
- [۴۴] نحل، ۹۰.
- [۴۵] طلاق، ۷.
- [۴۶] بقره، ۲۸۶.
- [۴۷] علی صفائی حائری، از معرفت دینی تا حکومت دینی، صص ۵۳ و ۵۴.
- [۴۸] جمشیدی، نظریه عدالت، ص ۱۲۴.
- [۴۹] شوری، ۱۵.
- [۵۰] اعراف، ۲۹.
- [۵۱] مائده، ۸.
- [۵۲].
- [۵۳] ص، ۲۶.
- [۵۴].
- [۵۵] ابن طاووس، ملاحم و الفتن، صص ۴۹ و ۱۲۲.
- [۵۶] معجم احادیث الامام المهدی ج ۳، ص ۲۹۵.
- [۵۷] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.
- [۵۸].
- [۵۹].
- [۶۰].
- [۶۱] سه سال دعوت مخفی پیامبر، ۲۵ سال سکوت حضرت علی، صلح امام حسن و قیام امام حسین و فعالیت‌های ائمه هدی (ع)، همه در راستای هدف پیش گفته می‌باشد.
- [۶۲].
- [۶۳] تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.
- [۶۴] بحار، ج ۵۱، ص ۱۲۰، ح ۲۳.
- [۶۵] همان، ج ۵۲، ص ۳۸۶، ح ۲۰۲.
- [۶۶] دخیل، الامام المهدی، ص ۲۷۱.
- [۶۷] ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۸۳.
- [۶۸] تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲.

- [۶۹] معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۳۱۴.
- [۷۰] نحل، ۹۰.
- [۷۱] قرآن کریم در آیه ۸۳ سوره بقره قبل از دستور به عدل و احسان، مسئله عبودیت را مطرح می‌کند و بدین ترتیب، رابطه منطقی و عقلانی بین عبودیت و عدل و احسان را به تصویر می‌کشد.
- [۷۲] نهج البلاغه، خطبه ۳۳.
- [۷۳] حدید، ۲۵.
- [۷۴] ماهنامه موعود، ش ۳۵، ص ۳۰، (به نقل از کافی، ج ۸، ص ۳۶۲).
- [۷۵] نور، ۵۵.
- [۷۶] ماهنامه موعود، ش ۳۵، ص ۷۱، (به نقل از نعمانی، الغیبه، چاپ مکتبه الصدوق، ص ۲۴۰).
- [۷۷].
- [۷۸].
- [۷۹] حشر، ۹.
- [۸۰].
- [۸۱].
- [۸۲].
- [۸۳].
- [۸۴].
- [۸۵].
- [۸۶].
- [۸۷].
- [۸۸].
- [۸۹].
- [۹۰] اعراف، ۹۶.
- [۹۱] چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۲۰۴، (به نقل از اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۴).
- [۹۲] همان، ص ۱۹۶، (به نقل از بحار، ج ۵۲، ص ۳۹۰).
- [۹۳] همان، (به نقل از نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۸).
- [۹۴] نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
- [۹۵] نساء، ۵۸؛ و در سوره مائده، ۴۲ نیز بدین مضمون آمده است: وان حکمت فاحکم بینهم بالقسط ان الله یحب المقسطین.
- [۹۶].
- [۹۷] یونس، ۴۷.
- [۹۸] طلاق، ۲؛ و در سوره مائده، ۹۵ نیز بدین مضمون آمده است: فجزاء مثل ما قتل من النعم یحکم به ذوا عدل منکم.
- [۹۹] مائده، ۸.]
- [۱۰۰] بقره، ۴۵.

- [۱۰۱] مائده، ۸.
- [۱۰۲] مجله گل نرگس، ص ۵۳، مهرماه ۸۱.
- [۱۰۳] بحار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.
- [۱۰۴] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵۰.
- [۱۰۵].
- [۱۰۶] حدید، ۲۵.
- [۱۰۷] طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۷۸.
- [۱۰۸] بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
- [۱۰۹] همان.
- [۱۱۰] نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۸.
- [۱۱۱] بحار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.
- [۱۱۲] ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۱.
- [۱۱۳].
- [۱۱۴] بحار، ج ۵۱، ص ۵۷.
- [۱۱۵] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۵.
- [۱۱۶] بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۴؛ کافی، ج ۳، ص ۴۲۷.
- [۱۱۷] کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.
- [۱۱۸] روم، ۲۴.
- [۱۱۹] مکیال المکارم، ج ۱، ص ۸۱.
- [۱۲۰] بقره، ۱۹۳.
- [۱۲۱] نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۹.
- [۱۲۲] اسراء، ۵.
- [۱۲۳] بحار، ج ۵۱، ص ۵۷.
- [۱۲۴] کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۹.
- [۱۲۵] مولوی نیا، سیمای مهدویت در قرآن، ص ۶۲.
- [۱۲۶] تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۲.
- [۱۲۷] طبسی، چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی، ص ۱۹۱، (به نقل از معجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۷۹).
- [۱۲۸] مصباح المتعجد، ص ۱۶۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه‌الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۳۳۱-۵۳۰۴۵-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبها: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۹۰ IR
۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

